



انجمن علمی فقه‌پژای تفتیشی ایران



فصلنامه فقه‌پژای تفتیشی

Volume 3, Issue 3, 2023

Examining the Comparative Attitude to the Testimony of Witnesses in Jurisprudence, Iranian Criminal Law and the International Criminal Court

Negar Iranipour¹, Mohammad Ali Mahdavi Sabet^{2*}, Mohammad Ashuri³

1. PhD Student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

3. Professor, Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article: Original Research

Pages: 171-183

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0001-8885-5916

TELL: +989121383953

Email: m-mahdavisabet@srbiau.ac.ir

Article history:

Received: 26 Apr 2023

Revised: 19 Jul 2023

Accepted: 09 Sep 2023

Published online: 23 Sep 2023

Keywords:

Witness, Testimony,
International Criminal Court,
Testimony Hearing.

ABSTRACT

Eyewitness testimony is one of the most important evidences in criminal law. The purpose of this article is to investigate the comparative attitude to witness testimony in jurisprudence, Iranian criminal law and the International Criminal Court. Based on this, the question of the article can be raised as follows: What is the attitude towards the testimony of witnesses in Iranian jurisprudence, criminal law and the International Criminal Court? This article is descriptive and analytical and the mentioned question has been investigated using the library method. The findings indicate that the testimony of witnesses is of great importance in Iranian jurisprudence and criminal law and it is considered one of the important reasons for proving a crime, so that witnesses may be summoned to testify. In the International Criminal Court, the testimony of witnesses is also important, but the testimony of witnesses is voluntary and there is no compulsion in this regard. The most important effects of the type of attitude towards witness testimony are manifested in witness support. In Iran's criminal law, various mechanisms have been considered, such as non-disclosure of witness information, hearing testimony through remote means and executive protection measures. These actions in the International Criminal Court are different in some cases, such as non-disclosure of witness statements and in some other cases, such as the adoption of executive measures, although the International Court has limited possibilities in the field of adopting executive measures to protect witnesses.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Iranipour, N; Mahdavi Sabet, MA & Ashuri, M (2023). "Examining the Comparative Attitude to the Testimony of Witnesses in Jurisprudence, Iranian Criminal Law and the International Criminal Court". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 3(3): 171-183.

مقدمه

بر همگان بدیهی است که یکی از اساسی‌ترین الزامات دادرسی کیفری، بهره‌گیری از حضور شهود است. «شهادت از مهم‌ترین ادله سنتی، مهم و شناخته‌شده اثبات دعوی کیفری می‌باشد و آن عبارت است از اخبار صحیح بر وقوع امری به‌منظور ثبوت آن در دادگاه و شاهد (گواه) هر شخصی است که اطلاعاتی را درخصوص یک رسیدگی کیفری داراست و می‌تواند آن‌ها را ارائه دهد یا پیش‌تر آن‌ها را در اختیار مراجع مسوول قرار داده است. شهادت شهود، چشم‌ها و گوش‌های دستگاه اجرای عدالت‌اند و دستگاه کشف جرم بدون آن ناقص است» (ابراهیم گل، ۱۳۸۶: ۲۱۴-۱۹۳). حضور شاهد «نزد مقامات قضایی و ادای شهادت یک وظیفه مهم اجتماعی تلقی می‌شود، چه در بسیاری از موارد، کشف حقیقت و صدور حکم عادلانه بدون معاضدت کسانی که خود در صحنه وقوع جرم حضور داشته و چگونگی ارتکاب آن را ملاحظه کرده و یا مطالبی را شنیده‌اند، میسر نیست» (آشوری، ۱۳۸۴: ۱۱۳/۲). شهادت به این دلیل یکی از مهم‌ترین ادله اثبات در نظام‌های عدالت کیفری است، زیرا که شهود خود در صحنه ارتکاب جرم حضور داشته‌اند و چگونگی ارتکاب آن را مشاهده کرده‌اند، «البته در زمان‌های گذشته، شهادت در امور کیفری قلمرو اجرایی وسیعی را به خود اختصاص می‌داد و بی‌قید و شرط آن را می‌پذیرفتند، اما به‌تدریج اهمیت سابق خویش را از دست داد و بر اهمیت ادله کتبی افزوده شد، اما از آنجایی که جرم از امور اتفاقیه است و تحصیل سند کتبی جز در مورد یک‌سری جرایم خاص و معین، ممتنع است، باوجود تردیدها و نقاط ضعفی که در شهادت و گواهی وجود دارد، در امور کیفری نمی‌توان از آن صرف نظر کرد» (ابراهیم گل، ۱۳۸۶: ۲۱۴-۱۹۳). امروزه نیز دادرسی منصفانه و اجرای عدالت مستلزم آن است که اگر دلیل بزه‌دیده شهادت شهود است، وی بتواند به‌راحتی شهود خود را به مقام صالح قضایی معرفی کند و اگر مانعی در اجرای این حق به‌وجود آید، باید برطرف شود. شهود خواه بنابر وظیفه اخلاقی و یا وظیفه قانونی خود می‌تواند در تسریع جریان دادرسی به یاری عدالت شتافته و نقش مهمی در اثبات جرایم برعهده داشته باشند. در کل ادای شهادت از جلوه‌های مشارکت مدنی شهروندان در اجرای

عدالت است، اما گاه ممکن است اداکنندگان شهادت و یا بستگان او مورد انتقام متهم، هم‌دستان و یا طرفداران وی قرار گیرد و چه‌بسا که حقوق فردی و امنیت و آرامش زندگی خود را به مخاطره انداخته باشد. درخصوص شهادت شهود پژوهش‌های متعددی انجام شده است: مهرداد احمدزاده ذوالپیرانی، در مقاله‌ای به بررسی شرایط اعتبار شهادت شهود در فقه و حقوق کیفری ایران پرداخته است (احمدزاده ذوالپیرانی، ۱۳۹۷: ۱۶۴-۱۵۳). علیرضا معزی‌نیا نیز در مقاله‌ای، نقش شهادت شهود و قواعد حاکم بر آن در حقوق ایران را مورد بررسی قرار داده است (معزی‌نیا، ۱۴۰۰: ۱۸۴-۱۷۰). همچنین سارا چگینی، در مقاله‌ای، شهادت شهود و ادله نوین اثبات دعوی در حقوق ایران و انگلیس را به‌صورت تطبیقی بررسی کرده است (چگینی، ۱۴۰۱: ۲۱۵-۲۰۲). تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به پژوهش‌های انجام‌شده این است که در این مقاله تلاش می‌شود به بررسی نگرش تطبیقی به شهادت شهود در فقه، حقوق کیفری ایران و دیوان کیفری بین‌المللی پرداخته شود. سؤال مقاله بدین‌شکل قابل طرح است که در فقه، حقوق کیفری ایران و دیوان کیفری بین‌المللی چه نگرشی نسبت به شهادت شهود وجود دارد؟ به‌عبارتی در آیین دادرسی کیفری در فقه و حقوق کیفری ایران، شهادت شهود در ادله اثبات در مقایسه با دیوان کیفری بین‌المللی چه جایگاهی داشته و شاهدان از چه حمایتی برخوردار هستند؟ به‌منظور بررسی سؤال مورد اشاره، ابتدا ماهیت شهادت شهود در فقه، حقوق کیفری ایران و دیوان کیفری بین‌المللی بررسی شده و در ادامه از رویکرد فقه، حقوق کیفری ایران و دیوان کیفری بین‌المللی در حمایت از شهادت شهود مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

۱- ماهیت شهادت شهود

ماهیت شهادت شهود بیانگر نوع نگرش نسبت به شهادت است. به‌عبارتی با بررسی ماهیت شهادت شهود می‌توان به جایگاه و اهمیت شهادت شهود در فقه، حقوق کیفری ایران و دیوان کیفری بین‌المللی پی برد.

۱-۱- ماهیت شهادت شهود در فقه

در این خصوص سؤال مهم این است که آیا شهادت شهود تکلیف است؟ آیا وجوب ادای شهادت، عینی است یا کفایی؟ «با آنکه اصل در تکالیف بر عینی بودن آنها است، اما طبع ادای شهادت با واجب کفایی سازگار است. بسیاری از فقیهان به این مسأله تصریح نموده‌اند، بلکه ادعا شده است در این مسأله اختلاف نظری میان فقیهان وجود ندارد» (نجفی، ۱۴۱۹: ۱۸۴/۱۷). «درباره وجوب اقامه شهادت در فرض عسر و حرج، نوعی اجماع و اتفاق نظر وجود دارد که وجوب ادای شهادت، مشروط به نفی عسر و حرج برای شاهد است. در این باره به دو نکته باید توجه کرد: نخست این که چنانکه در بسیاری از متون فقهی تصریح شده، ضرر مانع از وجوب ادای شهادت، ضرر غیرمستحق است» (حلی، ۱۴۲۰: ۱۲۷)، یعنی ضرری که شاهد، شایسته آن نیست، مانند این که ادای شهادت سبب شود تا مشهود علیه از سر انتقام، او را بکشد یا مجروح نماید یا اموالش را تلف کند، اما ضرری که او شایسته و لایق تحمل آن است، مانع از وجوب اقامه شهادت نمی‌شود.

«نکته دوم این که گرچه ادله نفی ضرر و حرج بر ادله احکام اولیه همچون وجوب ادای شهادت، حاکم است، اما این حکومت از باب تراحم است. بنابراین در همه مواردی که واجب از امور مهم باشد، ضرر و سختی ناچیز نمی‌تواند رافع وجوب باشد» (خوانساری، ۱۴۱۵: ۱۴۴/۶).

«برخی از فقیهان شیعی، تنها در فرضی که شاهد را به گواهی گرفته باشند، ادای گواهی را واجب دانسته‌اند» (شربینی، ۱۹۸۲: ۴۵۱/۶). «این نظریه در میان فقهای اهل سنت نیز مطرح است. برخی از آنان تصریح نموده‌اند که ادای شهادت تنها در فرضی واجب است که شاهد از روی قصد، موضوع شهادت را تحمل نموده باشد، زیرا در این فرض، نوعی التزام ضمنی به ادای شهادت وجود دارد. در جانب مقابل، برخی با تشبیه شهادت به لباسی که باد آن را در خانه انسان انداخته، فرد و ادای آن را در هر حال واجب دانسته‌اند. دو دسته روایت درباره حکم ادای شهادت وجود دارد: دسته اول روایاتی است که همچون آیات قرآن مجید، ادای شهادت را به‌طور مطلق واجب می‌داند. این روایات معمولاً در تفسیر

آیه «وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ» وارد شده است» (حسینی عاملی، ۱۴۲۲: ۲۲۷). «دسته دوم روایاتی است که وجوب ادای شهادت را مقید به فرض اشهاد نموده است، یعنی ادای شهادت آنگاه واجب است که شاهد را به گواهی گرفته باشند، اما اگر او به‌طور اتفاقی به واقعه‌ای علم پیدا کرده است، صرف این آگاهی ادای شهادت را بر وی واجب نمی‌سازد، بلکه در این فرض در ادای شهادت مختار است» (حسینی عاملی، ۱۴۲۲: ۲۲۷). «مقتضای جمع میان روایات این است که اگر کسی را به گواهی نگرفته باشند، در ادای شهادت یا اجتناب از آن مخیر است، مگر این که بداند عدم اقامه شهادت توسط وی به ظلمی در حق کسی می‌انجامد. محدث عاملی صاحب کتاب «وسائل الشیعه» همین راه را پیموده و عنوان باب مربوط را بر پایه همین گونه جمع برگزیده است. بسیاری از فقیهان شیعی، از جمله شیخ طوسی در نهاییه، نیز همین رأی را برگزیده‌اند» (طوسی، ۱۴۱۴: ۳۳۱).

«گرچه در عمل، التزام به این ضابطه به‌لحاظ گستردگی مفهوم ظلم و مشکوک‌بودن پاره‌ای از مصادیق آن، خالی از دشواری نخواهد بود، اما این ابهام به قوت روایاتی که بیانگر این ضابطه است، آسیبی وارد نمی‌سازد، زیرا حکم موارد مشکوک را می‌توان با تکیه بر اصول و قواعد، روشن ساخت. هرچند این احتمال وجود دارد که مقصود از التزام به این ضابطه، همان عدم احقاق حق باشد. بر این پایه، ظلم دارای معنای موسعی خواهد بود. با این حال برخی از فقها، از جمله شیخ صدوق، روایات تخییر را که در میان آنها چند روایت صحیح و معتبر وجود دارد، ناظر به موردی دانسته‌اند که اگر وی شهادت ندهد، دیگری شهادت خواهد داد» (شیخ صدوق، ۱۴۱۴: ۵۶/۳). بنابراین نظریه، حتی در فرضی که شاهد را به گواهی نگرفته باشند، ادای شهادت واجب کفایی است.

با نگاهی به دیدگاه فقه اسلامی می‌توان به این نتیجه دست یافت که از دیدگاه فقه اسلامی، آنچه در ابتدا حائز اهمیت است و می‌توان شهادت را بر مبنای آن ارزیابی نمود، بحث شرایط شاهد است، زیرا شرایط شاهد چنان از پیچیدگی در فقه اسلامی برخوردار است که نمی‌توان هر شهادتی را

باشد، نتیجه ارزیابی دادرسی از شهادت شهود می‌تواند مبتنی بر عدم وجاهت قانونی آن حکایت نماید. این موضوع در ماده ۱۸۷ ق.م.ا نیز مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است، در ماده مذکور برخلاف ماده ۱۷۸ که شهادت را از جمله ادله بسیار مهم و غیرقابل ارزیابی و تحلیل جلوه نموده، قانون‌گذار اعتبار شهادت را زمانی معتبر می‌شناسد که قرائن و امارات برخلاف آن ارائه نگردد و این حق را برای قاضی قائل گردیده که در ارزیابی شهادت شهود، در صورت وجود مدارک مستند و محکم از مفاد شهادت پیری ننماید (ساولانی، ۱۴۰۰: ۶۵).

باتوجه به ماهیت شهادت شرعی، به‌نظر می‌رسد که قانون‌گذار نیز به این نتیجه دست یافته که صرف اخبار یک نفر بر علیه کسی دیگر نمی‌تواند عاملی در مجازات متهم محسوب شود، لذا در مواقعی که قاضی با ادله دیگری مواجه نمی‌باشد، بحث توجه به اصل برائت را می‌توان نتیجه ارزیابی قاضی از شهادت شرعی محسوب نمود، در همین راستا برخی معتقدند که در انتساب یک عمل مجرمانه به متهم، قاضی باید علم و اعتقاد باطنی مبنی بر صحت واقعه و انتساب آن را که البته از طریق شهادت شرعی درک شده مورد توجه قرار دهد، اما واقعیت امر این است که در چنین مواقعی وجود اصل برائت و همچنین توجه به قاعد دراه می‌تواند قاضی را در ارزیابی موضوع یاری نماید (گلدوزیان، ۱۴۰۰: ۲۱۶).

بحث ویژگی شخصیتی شاهد بسیار می‌تواند در نزد قاضی در ارزیابی مؤثر واقع گردد، لذا بدین لحاظ باتوجه به اشاره به این امر در ماه ۲۳۴ آ.د.ک می‌توان به این نتیجه دست یافت که قضات در ارزیابی اعتبار شهادت، توجه خود را به ویژگی‌های شاهد معطوف نمایند. بنابراین مؤلفه‌هایی که قاضی در ارزیابی شاهد مدنظر قرار می‌دهد، می‌تواند شامل وضعیت جسمانی و روانی او باشد که در پرونده منعکس خواهد شد. دلیل مهم این امر آن است که در صورت ارجاع پرونده به شعبه تجدید نظر لزومی به حضور شاهد بر محکمه وجود ندارد، لذا قاضی تجدید نظر با مطالعه گزارش قاضی بدوی، ارزیابی خود را بر مبنای وضعیت شهود و شهادت ارائه شده بر مبنای آن قرار می‌دهد (زراعت، ۱۳۹۳: ۲۵۳/۱).

به‌عنوان یک شهادت معتبر در نظر گرفت. بنابراین آنچه برای شارع در ارزیابی شهادت مهم به‌نظر می‌رسد، شاهد است و سپس مفاد شهادت (دیانی، ۱۳۹۳: ۴۱۷). با این وصف، به‌نظر می‌رسد در بحث ارزیابی شهادت شرعی، زمانی که این نوع شهادت ادا می‌گردد، در ارزیابی شارع از آن به درجه کفایت دست می‌یابد و نیازی به افتناع وجدان قاضی نیز نخواهد داشت. با این وصف به‌نظر می‌رسد قاضی در چنین شرایطی به شهادت شرعی توجه کرده و اصدار رأی را بر مبنای آن انجام دهد (عدالت‌خواه، ۱۳۹۳: ۳۵۸).

۱-۲- ماهیت شهادت شهود در حقوق کیفری ایران

قانون‌گذار در ماده ۱۷۶ ق.م.ا به موضوع اعتبار شهادت که به‌صورت شرعی ادا می‌گردد، اشاره داشته است و شرط آن را اعتبار و صحت در نزد شارع می‌داند، حتی اگر مفید علم قاضی باشد یا نباشد. بنابراین در ارزیابی شهادت شهود، در صورتی که صرفاً مستندات بر پایه شهادت بنا گردیده و هیچ مستند دیگری وجود نداشته باشد، قاضی می‌تواند در ارزیابی مثبت از شهادت شهود، نسبت به صدور رأی اقدام نماید، زیرا در شهادت شرعی آنچه به‌عنوان پیش‌زمینه شهادت متصور است، آن است که شاهد فردی است با تمام ویژگی‌های مندرج در ماده ۱۷۷ ق.م.ا و لذا آنچه را که با یکی از حواس پنج‌گانه ملاحظه نموده، بدون کم و کاستی به محکمه ارائه دهد. مطابق ماده ۲۱۲ قانون مجازات اسلامی: «در صورتی که علم قاضی با ادله قانونی دیگر در تعارض باشد، اگر علم، بین باقی بماند، آن ادله برای قاضی معتبر نیست و قاضی با ذکر مستندات علم خود و جهات رد ادله دیگر، رأی صادر می‌کند. چنانچه برای قاضی علم حاصل نشود، ادله قانونی معتبر است و بر اساس آن‌ها رأی صادر می‌شود»، هر چند که شهادت شرعی با احراز تمامی شرایط آن می‌تواند به‌عنوان یک اصل محور در انتساب اتهام به متهم مؤثر واقع گردد، اما قاضی نیز در صورتی می‌تواند در ارزیابی خویش از شهادت شرعی بر آن ایراد واقع نماید که دلایل و مستندات دال بر عدم اعتبار شهادت شرعی باشد. با این وصف بخشی انتهایی ماده ۱۷۵ ق.م.ا که بیان می‌دارد: «... اعم از آنکه مفید علم باشد یا نباشد»، را نمی‌توان یک حکم قطعی از پیش تعیین شده دانست، زیرا در صورتی که ادله دیگر و حتی اماره مبنی بر عدم صحت شهادت شهود وجود داشته

موضوع مورد توجه قرار گرفته بود. به‌عنوان مثال در ارزیابی اعتبار شهادت شهود در قاعده ۶ دادرسی نورنبرگ شرط اصلی شهادت شهود در محکمه را شهادت قبل از محکمه می‌داند تا بدین‌وسیله مانع از تبانی شهود گردند. این امر در قاعده ۴ قواعد دادرسی توکیو و ماده ۱۷ منشور نورنبرگ نیز مورد تأکید قرار گرفته است. با این وصف قانون‌گذار در انجام اصلاحات اساسنامه رم در سال ۲۰۰۰ اخذ شهادت‌نامه کتبی را از شهود نیز جزء مراحل ادله اثباتی به روش شهادت مورد قبول قرار داده تا به‌نحوی موجبات تسریع را فراهم سازد. این امر در دادرسی رواندا و در بند «الف» قاعده ۹۰ به استماع شهادت زنده تأکید داشته است (واحدی، ۱۳۸۹: ۲۱۳).

در رابطه با فرایند ارزیابی شهادت شهود در بند ۱ از ماده ۶۶ اساسنامه رم، مورد اشاره قانون‌گذار قرار گرفته است. قانون‌گذار تأکید کرده که هریک از اشخاص که قصد شهادت پیرامون امری دارد، باید نسبت به صحت شواهد خود تعهدی ارائه نماید. بنابراین در اولین گام برای ارزیابی شهادت شهود، ارائه تعهد مذکور از شاهد می‌تواند گام مقدماتی در این مسیر باشد، هرچند که از نظر اساسنامه رم اصل برائت، ازجمله اصول حاکم بر دادرسی است، زیرا این موضوع در بند ۱ ماده ۶۶ مورد توجه قانون‌گذار قرار داشته است. بنابراین در ارزیابی شهادت شهود، ارائه تعهد هم نمی‌تواند دلیلی بر اثبات اتهام انتسابی بر متهم باشد (Gavise, 2015: 1552).

با این وصف در بند ۲ ماده ۶۹ اساسنامه رم تأکید شده که شهادت شاهد قائم به شخص است، مگر در مواردی که در ماده ۶۹ اساسنامه به آن اشاره شده باشد، هرچند که از دیدگاه قانون‌گذار در ماده ۶۹ استفاده از فناوری‌های الکترونیکی و ضبط ویدیویی و شهادت‌نامه تا زمانی که حقوق متهم زائل نگردد، بلامانع محسوب شده است (Karim Khan, 2014: 177).

میزان نفوذ سوگند در اعتبار شهادت از آنجایی که شاهد می‌تواند با ادای شهادت خود مسیر دادرسی را تحت تأثیر قرار دهد، لذا احتمال وجود شهادت کذب در چنین مواقعی نیز متصور است. به‌همین منظور در بند ۱ ماده ۶۶ به تعهد رسمی (سوگند) اشاره داشته است. این امر می‌تواند برای شاهد بعد از

قانون‌گذار به‌جهت تسریع در بحث ادای شهادت، روش‌های مختلفی از شهادت را مد نظر قرار داده است، هرچند که در سطور قبل بیان گردید که به‌نظر می‌رسد در شهادت شرعی آنچه که از مفاد شهادت برجسته می‌باشد، بحث ویژگی شاهد است. بنابراین در ماده ۱۸۴ ق.م.ا پذیرش شهادت کتبی در جوار شهادت شفاهی را باید دلیلی بر اهمیت این ادله در نظام کیفری ایران محسوب نمود، لذا قاضی در فرایند ارزیابی می‌تواند به شهادت کتبی نیز استناد نماید. همچنین در صورتی که شهادت به‌وسیله ابزار الکترونیکی (پخش زنده) یا ضبط شده باشد، می‌تواند در چهارچوب ارزیابی قاضی از لحاظ ماهیتی و شکلی مد نظر قرار گیرد. بر این اساس قانون‌گذار در ماده ۱۸۶ ق.م.ا موضوع فوق را مورد مذاقه قرار داده و به آن اشاره داشته است، البته آنچه که در این نوع شهادت در ارزیابی آن توسط محکمه مورد توجه قرار دارد، بحث احراز شرایط و صحت انتساب می‌باشد. به‌عبارت دیگر در ارزیابی این نوع شهادت توجه به شرایط ماده ۱۷۷ ق.م.ا بسیار مورد توجه است و احراز آن باید برای قاضی مسجل گردد. از سوی دیگر، ازجمله مؤلفه‌های مهم در ارزیابی می‌توان به بحث صحت انتساب فیلم یا صوت و نوشته بایات آن برای دادگاه اشاره نمود (جوانمرد، ۱۳۹۳: ۱۵۷/۲). بنابراین در یک جمع‌بندی که شرایط احراز ماده ۱۷۷ برای شاهد مهیا باشد و اثبات صحت آن نیز برای دادگاه امکان‌پذیر باشد. قاضی به جهت ارزیابی مثبت می‌تواند این امکان را برای شاهد قائل گردد که از طریق ضبط صدا و فیلم، فاکس، ایمیل و تلفن نسبت به ادای شهادت اقدام نماید (عدالت‌خواه، ۱۳۹۳: ۳۷۲).

۱-۳- ماهیت شهادت شهود در اساسنامه دیوان کیفری

بین‌المللی

بحث شهامت شهود در فرایند دادرسی دیوان کیفری بین‌المللی از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد. شهادت شهود را می‌توان در تمامی نظام‌های کیفری، ازجمله ادله‌ای دانست که در صورت تطبیق آن با قواعد حاکم، توانایی اثرگذاری مناسب بر فرایند دادرسی را خواهد داشت. بنابراین از بدیهی‌ترین روش‌های استماع شهادت، حضور شخص شاهد و مواجهه‌نمودن او با متهم می‌باشد. در تجربیات ناشی از محاکم کیفری بین‌المللی همچون دادگاه نورنبرگ و توکیو این

پاسخ از طریق فناوری به صورت زنده از سوی دادستان یا وکیل مدافع وجود داشته باشد، لذا در چنین شرایطی شهادت فوق قابلیت اتکایی خواهد داشت. قانون گذار در اساسنامه رم نیز در بند ۲ ماده ۶۹ به استفاده از ابزار الکترونیکی (سمعی و بصری) نیز اشاره داشته است. با این وصف قانون گذار تلاش نموده در آیین رسیدگی به اصول دیوان بین‌المللی کیفری، شرایط ادای شهادت به روش فوق را برابر بند ۳ ماده ۶۷ آیین رسیدگی کیفری بین‌المللی مشخص نماید.

در پاره‌ای از مواقع شرایطی حاصل می‌گردد که شعبه دادرسی شرایط لازم را برای حضور شاهد برابر ماده ۵۶ اساسنامه رم مهیا نمی‌سازد. در چنین حالتی برابر بند ۲ از ماده ۶۹ اساسنامه مذکور اجازه ارائه شهادت از پیش داده شده یا رونوشت‌گیری از چنین شهادتی را می‌دهد. این موضوع در ماده ۶۸ آیین رسیدگی به ادله کیفری بین‌المللی نیز مورد اشاره واقع گردیده است و اعتبار چنین شهادتی صرفاً به شرح زیر قابلیت اتکایی خواهد داشت: «شاهدی که شهادت ضبط شده داده، در نزد دادرسی حضور نیافته و در امر پرسش و پاسخ از شاهد توسط دادستان و وکیل مدافع صورت گرفته باشد. نکته مهم در این بند حضور توأمان دادستان و وکیل مدافع است. همچنین از دیگر وجوه این نوع شهادت زمانی است که شاهد شکایت ضبط شده را ارائه و در محکمه حاضر شده و این فرصت برای وکیل و دادستان مهیا است تا به پرسش‌ها پاسخ دهد با احراز چنین شرایطی ارزیابی از ادله فوق در سطح مطلوب و قابل قبولی قرار خواهد گرفت» (Schabas, 2006: 491).

۲- آثار اهمیت شهادت شهود

آثار اهمیت شهادت شهود عبارت‌اند از:

۲-۱- عدم مواجهه حضوری شاهد با متهم

«مواجهه، تقابل و ترافع طرفین دعوی یا شکایت با خودشان یا با شاهد نزد مقام قضایی است که اظهارات آن‌ها معارض با هم است. در این باره، دکترینی با عنوان «چشم‌پوشی کردن» از قرن هفدهم وجود دارد که مقرر می‌دارد اگر متهم سوءرفتار داشته باشد، از حق مواجهه محروم می‌گردد و اظهارات شاهد پذیرفته می‌شود. این دکتربین در قانون ادله ۱۹۹۷ وضع و در

ادای سوگند مسؤولیت را نیز به همراه داشته باشد. بنابراین قانون گذار تا زمانی که شاهد وارد محکمه دیوان نشده و سوگند را ادا ننموده باشد، مسؤولیتی بر او مترتب نخواهد بود، اما پس از ادای سوگند در صورت مغایر بودن شهادت شهود با واقعیات، برابر بند ۱ ماده ۷۰ اساسنامه رم، دادگاه این حق را برای خود محفوظ خواهد دانست تا نسبت به مجازات شهادت کذب اقدامات لازم را انجام دهد.

از جمله مباحث بسیار مهم دیگر در ارزیابی شهادت شهود، زمانی است که شاهد قبل از ادای شهادت، از مفاد شهادت سایر شهود مطلع گردد، زیرا اصولاً شهودی که شهادت خود را ادا کرده‌اند، حضور سایر شهود در زمان شهادت شاهد، ممنوع می‌باشد، لذا در صورت وقوع چنین امری، آنچه که در ارزیابی کیفیت شهادت چنین شاهدی مورد توجه قرار می‌گیرد، آن است که نظر شاهد پس از اطلاعات مفاد شهادت دیگران تغییر نیابد. در این صورت در ارزیابی از ارزش و اعتبار آن کاسته خواهد شد (کاسه، ۱۳۸۷: ۵۱۹).

در صورتی که دادرس به این نتیجه دست یابد که با شهادت شاهد امکان ارائه تضمین به جهت اتهام انتسابی از باب اطلاعات شاهد به وی قابل تأمین نمی‌باشد، لذا شاهد را ملزم به ارائه شهادت نمی‌کند، ولی در صورتی که تضمین شهادت، با اقدامات انجام شده در بند ۷ ماد مذکور همراه باشد، ارزش شهادت شاهد مذکور قابل اتکا بوده و ارزیابی آن مناسب خواهد بود (May, 2002: 734).

امروزه به جهت پاره‌ای از مشکلات و پیچیدگی‌های اجتماعی امکان حضور شاهد به صورت حضوری در محکمه و یا نزد دادستان وجود ندارد و یا به جهت تسریع در رسیدگی، لزوم اخذ شهادت ضروری به نظر می‌رسد، لذا باتوجه به پراکندگی و گستره جغرافیایی کشور، اساسنامه رم در این خصوص نیز راهکارهایی را ارائه داده و ارزش و اعتبار چنین شهادتی را به مثابه شهادت حضوری متصور نموده است. قانون گذار در ماده ۶۷ و ۶۸ آیین رسیدگی به ادله دیوان کیفری بین‌المللی به موضوع فوق ورود نموده است. از دیدگاه دیوان استفاده از فناوری سمعی و بصری زمانی می‌تواند در ارزیابی ماهیت شهادت، کیفیت آن را مطلوب شمارد که شرایط پرسش و

ماده ۴۰ مقرر گشته است: «افشای اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت بزه‌دیده، شهود و مطلعان و سایر اشخاص مرتبط با پرونده توسط ضابطان دادگستری، جزء در مواردی که قانون معین می‌کند، ممنوع است.» در این ماده کتمان هویت و اطلاعات شخصی بزه‌دیده و شاهد را به‌عنوان تکلیفی برای ضابطان پیش‌بینی کرده است. توجه به این نکته لازم است که ممنوعیت افشای هویت و محل اقامت بزه‌دیده و شاهد مانع از وصول این افراد به صلح و سازش با متهم می‌شود، لذا حکم این ماده باید با جرایم مهم و در صورت بیم خطر محدود شود.

البته در ماده ۲۱۴ همین قانون بیم خطر جانی و حیثیتی یا ضرر مالی برای افراد را ذکر کرده است حق بر دانستن و آگاهی از وضعیت پرونده قضایی از حقوقی است که برای متهم باید رعایت شود. در آیین‌نامه اجرایی حمایت از شهود و مطلعان مصوب ۱۳۹۴ مذکور طبق ماده ۳ مقرر گشته است که: «مواجهه حضوری بین شاهد یا مطلع با طرفین دعوا، طبق قانون مجاز است، لیکن در صورت بیم خطر، مقام قضایی می‌تواند از قبول درخواست شاکی یا متهم مبنی بر مواجهه حضوری شاهد یا مطلع با طرفین دعوا خودداری نماید.» طبق این ماده حفظ اطلاعات شخصی شاهد خللی بر حق دفاع متهم وارد نمی‌سازد، چراکه معیار وجود بیم خطر برای صدور دستور قضایی مبنی بر مواجهه غیرحضوری بین این افراد در جلسه دادرسی است.

در ماده ۸ آیین‌نامه اجرایی حمایت از شهود و مطلعان مصوب ۱۳۹۴ مقرر گشته است که: «عدم مواجهه حضوری در بند «الف» ماده ۲۱۴ قانون، مانع از حق طرفین برای اطلاع از هویت و مشخصات شاهد یا مطلع نیست، مگر این‌که به‌نظر قاضی رسیدگی‌کننده بیم خطر در صورت افشای اطلاعات مذکور نیز وجود داشته باشد که در این صورت مقام قضایی باید از انعکاس و افشای اطلاعات مذکور خودداری کند.» در این ماده باید واقعاً بیم خطر نسبت به امنیت شاهد تا خانواده وی برود و این وظیفه مقام قضایی است که شناسایی کند که آیا بیم خطر در صورت افشای اطلاعات وجود دارد یا خیر که در صورت وجود بیم باید تدابیر اتخاذ شده عدم افشای اطلاعات ضرورت مطلق داشته باشد.

دادگاه‌های فدرال آمریکا اجرا می‌شود. در حقوق ایران نیز براساس ماده ۶ آیین‌نامه، عدم مواجهه حضوری شاهد یک حق شخصی است و شاهد می‌تواند از رویارویی با دیگر طرفین دعوی امتناع ورزد، بی‌آنکه در حق سایر اصحاب دعوی خدشه‌ای وارد کند. ممکن است دلیل این عدم مواجهه، حمایت روحی روانی از شاهد باشد، زیرا در ادای شهادت دچار ترس و اضطراب می‌شود یا ممکن است سبب آن از سوی طرفین پرونده باشد، هرچند معمولاً در صورت جلسات ادای گواهی، مشخصات شاهد نوشته می‌شود که در این صورت، امکان دسترسی طرفین دعوی به پرونده و شناسایی شاهد وجود دارد» (کاظمی و طهماسبی، ۱۳۹۰: ۳۶). در حقوق ایران، مقررات حاکم بر مواجهه در دادسرا با دادگاه متفاوت است، به‌گونه‌ای که براساس ماده ۲۰۷ آ.د.ک قانون ۱۳۹۲، اصل بر این است که در دادسرا صورت مواجهه نمی‌گیرد، مگر ضرورت اقتضا نماید، ولی در دادگاه طبق مواد ۳۲۶ و ۳۲۷ آن عمل می‌شود که با وضع ماده ۳ آیین‌نامه مبنی بر این‌که: «مواجهه حضوری بین شاهد یا مطلع با طرفین دعوی، طبق قانون مجاز است، لیکن در صورت بیم خطر، مقام قضایی می‌تواند از قبول درخواست شاکی یا متهم مبنی بر مواجهه حضوری شاهد مطلع یا با طرفین دعوی خودداری نماید»، اصل بر مواجهه حضوری است، مگر در مواردی که مقام قضایی عدم آن را تشخیص دهد.

۲-۲- عدم افشای اطلاعات

یکی از مهم‌ترین برنامه‌های حمایت از شهود، حمایت از شهادی است که در جلسه دادرسی حضور می‌یابد و ادای شهادت می‌نماید که مواجهه حضوری بین شاهد با متهم می‌تواند خطراتی را پی داشته باشد که می‌توان در شیوه تحصیل شهادت را تغییر داد. تا پیش از تصویب این آیین‌نامه اجرایی حمایت از شهود و مطلعان مصوب ۱۳۹۴ به‌نظر می‌رسید که حمایت از شهود ناقص حقوق دفاعی متهم باشد، از جمله حقوقی دفاعی متهم این است که بداند چه کسی از او شکایت کرده و آیا شکایت او به‌حق است یا خیر. این امر زمینه دفاع در مقابل اتهام را فراهم می‌آورد. همچنین آگاهی متهم از هویت شاهد، موجبات جرح وی را در صورت وجود جهات جرح فراهم می‌سازد. در قانون آیین دادرسی کیفری در

قانون‌گذار به‌ضرورت استفاده از فناوری‌های نوین در فرآیند دادرسی است که می‌تواند کمک‌های فراوانی به حمایت از شهود نماید. با این حال مطابق ماده ۱۴ آیین‌نامه اجرایی حمایت از شهود «در تمامی موارد استماع شهادت شهود یا مطلعان از طریق این وسایل، مقام قضایی باید از هویت شاهد یا اطمینان حاصل نماید.» با این‌که این شیوه به‌منظور آرامش شاهد و جلوگیری از ترس او اتخاذ گردیده، با این حال ممکن است که چون در مکانی غیر از جلسه دادگاه ادای شهادت می‌نماید، تحت تأثیر فضای حاکم بر دادگاه قرار نگیرد و شهادت کذب دهد. به‌نظر می‌رسد که قاضی باید با توجه به اوضاع و احوال پرونده، دستور به اتخاذ این برنامه حمایتی دهد و یا در صورت لزوم شیوه‌ای دیگر را اتخاذ کند.

این روش به‌منظور جلوگیری از بیم خطر و شناخته‌شدن شهود استفاده می‌شود و در زمانی کاربرد دارد که در صورت شناخته‌شدن توسط متهم، شهود در معرض مخاطره قرار گیرند. در ماده ۱۵ آیین‌نامه اجرایی حمایت از شهود و مطلعان مصوب ۱۳۹۴ مقرر گشته است که: «در مواردی که مقام قضایی در راستای حمایت از شهود و مطلعان تصمیم به عدم افشای اطلاعات آن‌ها بگیرد و احتمال شناسایی شاهد یا مطلع از طریق صوت یا تصویر وی وجود داشته باشد، مقام قضایی باید تدابیری جهت جلوگیری از افشای هویت شاهد و مطلع اتخاذ نماید.» این روش می‌تواند در جهت جلوگیری از آسیب‌های احتمالی و همچنین اضطراب روانی گواه و همچنین ناممکن ساختن امکان ردیابی وی باشند، ولی در هر صورت قاضی پرونده باید با توجه به اوضاع و احوال، دستور به اتخاذ چنین روش حمایتی دهد و تمامی اوضاع و احوال پرونده را بسنجد و لزوم وجود بیم خطر برای او محرز شود. همچنین محاکمه عادلانه‌ای صورت پذیرد، به‌طوری‌که حقوق دفاعی متهم نیز فراهم شود، در غیر این صورت تدبیر دیگری را اتخاذ نماید.

۲-۴- اقدامات اجرایی

تدابیر مختلفی جهت حمایت از شهود وجود دارد که قاضی با توجه به پرونده و رعایت قوانین و مقررات و حقوق تمامی افراد چه شاهد و چه متهم می‌تواند از این روش‌های حمایتی در جهت فرآیند دادرسی عادلانه استفاده نماید (تدین، ۱۳۸۸:

امکان محرمانه‌ماندن هویت شاهد در مقررات دیوان کیفری بین‌المللی مورد اشاره قرار نگرفته است و به علت همین عدم تصریح، قضات دیوان‌اند که تصمیم نهایی را در خصوص این موضوع و در هر پرونده به‌طور خاص اتخاذ خواهند کرد. در پرونده دعوی دادستان علیه لوبانگا، در جلسه رسیدگی مورخ ۱۶ ژانویه ۲۰۰۹ به این موضوع توجه گردیده است. در جلسه رسیدگی به تاریخ فوق‌الذکر، قضات به تقاضای دادستان مبنی بر اعمال اقدامات حفاظتی اعمال تغییرات بر تصویر و صدا در برای شهود دادسرا توجه نمودند. دادستان در تقاضای خود حین ادای شهادت و اختصاص نام مستعار برای بیست شاهد در برنامه حفاظتی را از شعبه خواستار شد. دادستان توجیه خود را بدین‌صورت ارائه نمود که اقدامات حفاظتی درون دادگاهی امنیت این شهود در معرض خطر را از طریق تضمین ناشناس‌ماندن عمومی آنان، حفاظت می‌نماید. در عین حال، اقدامات درخواست‌شده به هیچ‌وجه تأثیر سوء بر حقوق متهم نخواهند گذاشت، چراکه هویت شهود برای متهم و تیم وکلایش معلوم خواهد گردید و مفاد ادای شهادت از جانب شاهد، در دسترس عموم قرار خواهد گرفت.

۲-۳- استماع شهادت از طریق وسایل از راه دور

یکی دیگر از راهکارهای حمایتی از شهود، تحصیل شهادت از طریق هر وسیله‌ای که امکان دیدن و شنیدن هم‌زمان صورت و تصویر و یا صرفاً صوت شاهد یا مطلع باشد. این شیوه حمایتی که بیشتر به‌منظور جلوگیری از مواجهه شهود با متهم اتخاذ می‌گردد. هدف اصلی از اتحاد این شیوه حمایتی، جلوگیری از اضطراب شاهدی است که در صورت مواجهه با متهم از ادای شهادت خودداری می‌ورزد.

برخی از شهود ممکن است تحت تأثیر فضای حاکم بر دادگاه قرار گیرند و بترسند و یا ممکن است که به ادای شهادت کذب بپردازند، اگرچه استفاده از وسایل از راه دور را قانون‌گذار پیش‌بینی نموده است، اما حقوق دفاعی متهم را نیز مورد توجه قرار داده است و زمانی استفاده از این وسایل را مجاز دانسته است که طبق ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری بیم خطر جانی یا حیثیتی و یا ضرر مالی برای شاهد یا مطلع وجود داشته باشد. استفاده از این وسایل نشان‌دهنده توجه

اعضای خانواده‌اش را تهدید می‌کند، تداوم داشته باشد که در صورت ضرورت می‌توان از این برنامه‌ها استفاده نمود. اجراء شدن چنین برنامه‌هایی، مستلزم ارائه یک‌سری آموزش‌های سازمان‌یافته جهت ارتقای عملکرد مأمورین پلیس می‌باشد تا مأمورین مذکور، در مواجهه با چنین موضوعی بتوانند براساس یک برنامه خاص عمل کنند. مأمورین، باید آموزش لازمه در خصوص ارزیابی تهدید و عوامل و چگونگی آن، دیده باشند. در عین حال، جزء اعضای سالم و رازدار و با سابقه باشند تا بتوانند با عملکرد صحیح خود، رضایت شهود را جلب نمایند، زیرا شهود در صورت عدم احساس امنیت و ترس از عواقب تهدید، از ادای شهادت خودداری می‌نمایند» (حصایی، ۱۳۹۱: ۵۸). با این حال ایرادی که بتوان بر این آیین‌نامه اجرایی حمایت از شهود و مطلعان مصوب ۱۳۹۴ نقد کرد، این است که از نظر محدوده زمانی این برنامه‌ها، زمانی مشخص نگشته است، اما می‌توان گفت که تا زمانی که بیم خطر وجود داشته باشد، این حمایت‌ها نیز باید وجود داشته باشد.

دادگاه‌های بین‌المللی خارج از محدوده حاکمیت دولتی فعالیت می‌کنند، لذا نمی‌توانند برای مراجع داخلی از قبیل نیروهای انتظامی و خدمات اجتماعی تکلیف معین نمایند. «دادسرای دادگاه‌های بین‌المللی، هیچ نوع نیروی پلیس خاصی را در اختیار ندارند، بنابراین حمایت از شهود در بیرون از دادگاه ممکن نیست، مگر با همکاری کشورهای منطقه مربوطه یا دیگر کشورهایی که می‌خواهند از شهود، شاید با هویت دیگری استقبال و از آنان حمایت کنند» (والین لوک، ۱۳۸۵: ۵۶-۳۳). با این حال در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، دادسرا تعهد خاصی برای حفاظت از شهود دارد و چنین اقداماتی را به‌خصوص حین تحقیق و تعقیب اتخاذ خواهد نمود. براساس ماده ۵۴ وظایف و اختیارات دادستان در خصوص تحقیقات، دادستان باید اقدامات مناسبی اتخاذ نماید تا تحقیقات مؤثر و تعقیب جرایم مشمول صلاحیت دیوان را تضمین نماید و در انجام این مهم، منافع و شرایط شخصی قربانیان و شهود را شامل سن، جنس، همچنانکه در ماده ۷ پاراگراف ۳ تعریف شده‌اند و سلامتی آن‌ها را در نظر گرفته، ماهیت جرایم به‌خصوص در مواردی که شامل خشونت جنسی، خشونت مبتنی بر جنسیت یا خشونت علیه کودکان می‌باشد را

در بعضی موارد، تهدید و خطر چنان است که تدابیر حمایتی بیشتری را، حتی در طی مراحل دادرسی، قبل و بعد از آن می‌طلبد. «باتوجه به اسناد بین‌المللی که در آن‌ها حمایت از شهود مورد توجه واقع شده است و همچنین بررسی قوانین کشورهای که برنامه حمایت از شاهد را اجرا می‌کنند، نشان‌دهنده این موضوع است که تدوین‌کنندگان این قوانین و اسناد، اقدامات و رویکردهای مختلفی را به‌منظور حمایت از شاهد پیش‌بینی نموده است. باوجود آن، تمام این شیوه‌ها و راهکارها دو هدف کلی را دنبال می‌کند: ۱- تأمین امنیت برای شاهدان و بستگانش؛ ۲- باز اجتماعی کردن شاهد» (کاظمی و طهماسبی، ۱۳۹۰: ۴۴-۲۳). بنابراین این حمایت‌ها باید به‌گونه‌ای باشد که عملاً این دو هدف را پوشش دهد. در ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی حمایت از شهود و مطلعان مصوب ۱۳۹۴، مقرر گشته است که واحدی به نام «واحد حمایت از امنیت شهود و مطلعان» در هر حوزه قضایی، زیر نظر رییس آن حوزه قضایی برای انجام امور مقرر در آیین‌نامه اجرایی حمایت از شهود و مطلعان مصوب ۱۳۹۴ ایجاد شود. همچنین در ماده ۱۷ آیین‌نامه اجرایی حمایت از شهود و مطلعان مصوب ۱۳۹۴ ذکر گردیده است: «که واحد مقرر باید تدابیر لازم را با همکاری مرکز حفاظت - اطلاعات قوه قضاییه و ضابطان دادگستری به‌منظور پیشگیری از بروز خطر جانی، حیثیتی و مالی علیه شاهد یا مطلع یا خانواده وی و تأمین امنیت وی، اتخاذ نماید. تدابیر مزبور مواردی از قبیل یک یا چند مورد به شرح ذیل می‌باشد: ۱- گشت‌های منظم پلیس به‌صورت نمایان یا به‌نحو پنهانی از محل کار یا سکونت و مسیر تردد شهود یا مطلعان یا خانواده آن‌ها؛ ۲- نظارت بر محتوای در حال انتقال ارتباطات غیرعمومی در سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی و نصب تجهیزات الکترونیکی حفاظتی مانند دوربین مداربسته در محل کار یا سکونت ایشان یا نصب درب‌های ایمنی، با رضایت کتبی آنان؛ ۳- در اختیار دادن تجهیزات تماس سریع با مراجع مربوط؛ ۴- آموزش تدابیر دفاع شخصی و حفاظت از سلامتی جسمی و روحی و روانی به شهود و مطلعان و خانواده ایشان؛ ۵- تغییر مکان این تدابیر زمانی اتخاذ می‌گردد که علی‌رغم اتخاذ تدابیر قبلی احصاء شده، خطری که جان، حیثیت یا ضرر مالی شاهد یا

دیوان کیفری بین‌المللی برخلاف دادگاه‌های اختصاصی مانند دادگاه ویژه سیرالئون به واسطه سند تأسیس، یعنی اساسنامه رم ایجاد شده است و این اولین دادگاهی است که چنین برتری را برای مکانیزم قربانیان و شهود ایجاد کرده است. ماده ۴۳ اساسنامه مقرر می‌دارد: «دبیرخانه واحد قربانیان و شهود را درون دبیرخانه تأسیس خواهد نمود. این واحد در مشورت با دادسرا، اقدامات حفاظتی، ترتیبات تأمینی، مشاوره و سایر کمک‌های مقتضی را برای شهود، قربانیانی که در برابر دیوان حضور می‌یابند و سایر کسانی که به واسطه شهادت چنین شهودی در معرض خطر قرار می‌گیرند، فراهم خواهد نمود. این واحد کارمندی متخصص در زمینه صدمات، از جمله صدمات مربوط به جرایم خشونت جنسی را به کار خواهد گماشت.» اساسنامه مسؤولیت انحصاری حفاظت از شاهد را برعهده کمیته شهود گذاشته است که البته باید با دادستان مشورت نماید، اما این لزوم مشورت در کلیه موارد صادق نیست. به عنوان مثال در موارد شهود خوانده نباید دادستان طرف مشورت قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

در نظام کیفری ایران و اساسنامه رم، قواعدی جهت ارزیابی دقیق از شهادت شهود وضع گردیده است تا براساس آن قاضی و یا دادرس، توانایی ارزیابی صحت و سلامت شهادت و میزان نفوذ آن در صدور رأی را تعیین می‌نماید. شهادت به وسیله ابزار الکترونیکی را باید یکی از مشهودترین وجوه اشتراک در بین دو نظام کیفری در نظر گرفت، در نظام کیفری ایران، در صورت نیاز و یا احراز شرایطی که امکان دسترسی به شاهد وجود ندارد، قانون‌گذار استفاده از ابزار الکترونیکی را برای ثبت و ضبط شهادت شهود به نحوی که صحت و سلامت ابزار فوق مورد تأیید قرار گرفته باشد، در ارزیابی شهادت شهود مؤثر دانسته است. از نکات افتراق بین دو نظام کیفری در رابطه با شهادت بحث اختیاری بودن ادای شهادت در تمامی مراحل دادرسی است و هیچ‌گونه الزامی از سوی قانون‌گذار برای ادای شهادت در اساسنامه رم ذکر نگردیده است، مگر این که شاهد فرایند قبول شرایط شهادت را طی نموده و تعهدات در این خصوص را قبول نماید، در چنین حالتی و از زمانی که وارد محکمه می‌گردد، ملزم به ادای شهادت می‌باشد، اما در نظام کیفری ایران، قانون‌گذار

هم لحاظ نماید (Cassese, 2002: 1362). همچنین دادستان ممکن است به جمع‌آوری ادله پرداخته و آن‌ها را بررسی نماید و حضور قربانیان و شهود و اشخاصی را که در مورد ایشان تحقیق می‌شود و پرسش از ایشان را خواستار شود، به علاوه دادسرا باید حین تحقیقات و در مرحله محاکمه، طی مشورت با واحد قربانیان و شهود در جهت اقدامات حفاظتی و ارجاع برای حفاظت و حمایت، در راستای بهزیستی قربانیان و شهود اقداماتی اتخاذ نماید (مواد ۱۸۱ و ۳(۶) اساسنامه رم).

همچنین براساس قاعده ۱۶ از قواعد آیین دادرسی و ادله، رییس دبیرخانه ممکن است به منظور انعقاد موافقت‌نامه‌های محرمانه برای اسکان مجدد و پیش‌بینی خدمات حمایتی در سرزمین یک دولت به نمایندگی از سوی دیوان با آن کشور به مذاکره بنشیند. واحد قربانیان و شهود فعالانه سیاست انعقاد موافقت‌نامه‌های همکاری و اسکان مجدد را با دولت‌های طرف و نیز سایر طرف‌ها به منظور استقرار یک رژیم حفاظتی مؤثر ملی و بین‌المللی برای شهود و قربانیانی که در برابر دیوان حاضر می‌شوند. همچنین سایر کسانی که به دلیل این شهادت در معرض خطر قرار می‌گیرند، دنبال می‌نماید (Zappala, 2003: 233).

۲-۵- عدم اجبار شهود به شهادت‌دادن

تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی براساس معاهده دو پیامد مهم به دنبال دارد: اول این که دیوان این اختیار را ندارد که برای شهود احضاریه فرستاده یا آنان را وادار به ادای شهادت در برابر آن بنماید؛ دوم آنکه از اجماع گسترده ۱۱۰ کشور طرف اساسنامه رم نسبت به قیومیت محدود ۵ عضو دائم و ۱۰ عضو غیردائم شورای امنیت مشروعیت بیشتری حاصل خواهد شد. بنابراین شهود باید، توسط مأموران تحقیق مربوط به دادستان یا خوانده متقاعد به ادای شهادت شوند. کمیته شهود در مواردی که فردی مایل به همکاری باشد، دادن شهادت را تسهیل خواهد نمود، اما هیچ نقش مجاب‌کننده‌ای ایفا نمی‌نماید، به علاوه دیوان کیفری بین‌المللی می‌تواند از دولتی که شاهد در آنجا مقیم است، درخواست کمک نماید و یا این که کمک الزامی دولت‌های عضو را جهت تسهیل حضور اختیاری جستجو نماید (Mahomy, 2010: 18).

- احمدزاده ذوالپیرانی، مهرداد (۱۳۹۷). «بررسی شرایط اعتبار شهادت شهود در فقه و حقوق کیفری ایران». *مجله مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه*، ۴(۱): ۱۵۳-۱۶۴

- آشوری، محمد (۱۳۸۴). *آیین دادرسی کیفری*. جلد دوم، چاپ پنجم، تهران: انتشارات سمت.

- تدین، عباس (۱۳۸۸). *تحصیل دلیل در آیین دادرسی کیفری*. چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.

- جوانمرد، بهروز (۱۳۹۳). *فرایند دادرسی کیفری*. جلد دوم، چاپ اول، تهران: نشر جنگل.

- چگینی، سارا (۱۴۰۱). «تطبیق شهادت شهود و ادله ی نوین اثبات دعوی در حقوق ایران و انگلیس». *مجله مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه*، ۸(۴): ۲۰۲-۲۱۵.

- حسینی عاملی، سید محمدجواد (۱۴۲۲). *مفتاح الکرامه*. الطبعة الاولى، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

- حصایی، احد (۱۳۹۱). «بررسی حمایت کیفری از شهود با نگاهی تطبیقی بر قانون، ایران و آمریکا». پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی استاد محمدصادقی، شیراز: دانشگاه شیراز.

- حلی، علامه حسن بن یوسف بن علی مطهر (۱۴۲۰). *تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه*. الطبعة الاولى، قم: نشر امام صادق.

- خوانساری، سید احمد (۱۴۱۵). *جامع المدارک فی شرح مختصر النافع*. جلد ششم، الطبعة الثانی، قم: مؤسسه اسماعیلیان.

- دیانی، عبدالرسول (۱۳۹۳). *ادله اثبات دعوا در امور مدنی و کیفری*. چاپ اول، تهران: نشر میزان.

- زراعت، عباس (۱۳۹۳). *شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی بخش قصاص*. جلد اول، چاپ دهم، تهران: نشر جاودانه جنگل.

در صورت نیاز به ادای شهادت از سوی شاهد، جهت دستیابی به حقیقت، می‌تواند حکم به جلب یا احضار شاهد را صادر نماید، هر چند که برابر اصول قانون اساسی و قوانین کیفری مصوب، چنین شهادی می‌تواند در محضر قاضی سکوت نموده و از ادای شهادت امتناع ورزد. دیوان می‌تواند اجازه دهد که ادای شهادت، به نحو شفاهی، به صورت ضبط شده در وسایل سمعی و بصری، یا با ارائه اسناد و یا دست‌نوشته‌ها انجام پذیرد. در حقوق کیفری ایران در صورتی که دلیل پرونده منحصر به شهادت شهود و مطلعان نباشد، تحقیق از آنان می‌تواند به صورت الکترونیکی به عمل آید. در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و در حقوق کیفری ایران، در صورتی که بیم خطر جانی یا مالی برای شاهد یا خانواده‌اش باشد، اقداماتی جهت حفاظت از سلامت جسمی و روحی آن‌ها اتخاذ می‌شود. در حقوق کیفری ایران نیز در راستای اهمیت شهادت شهود، سازوکارهای مختلفی در راستای حمایت از شهود در نظر گرفته شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش، تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت شده است.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهام نویسندگان: در این پژوهش، نویسندگان مشترکاً اقدام نموده‌اند.

تشکر و قدردانی: لازم است از تمامی کسانی که در تدوین این مقاله، ما را یاری رسانده‌اند، قدردانی نماییم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی و عربی

- ابراهیم گل، علیرضا (۱۳۸۶). «ابعاد شهادت در رسیدگی‌های کیفری بین‌المللی». *مجله حقوقی بین‌المللی*، ۲۵(۳۷): ۱۹۳-۲۱۴.

Court: A Commentary. First edition, Vole 2, New York: Oxford University Press.

- Gavise, L (2015). "The Transition from the Inquisitorial to the Accusatorial system of trial procedure: why some latin amirican lawyers hesitate", *The Berkely electronic press*, 10(25): 1552.

- Karim Khan (2014). *Caroline Buisman and Chris Gosnell (Principal of Evidence in International criminal Justic)*. Oxford: Oxford University Press.

- Mahony, Ch (2010). *The Justice Sector Afterthought- Witness Protection In Africa*. South Africa :Institute for Security Studies.

- May, R & Marieke, W (2002). *Internationl Criminal Evidence*. New York: Transnational Publishers.

- William, S (2006). *The UN International criminal Tribunals*. Cambridge: Cambridge University Press.

- Zappala, S (2003). *Human Rights in International Criminal proceedings (Oxford Monographs in International Law)*. Oxford: Oxford University Press.

- ساولانی، اسماعیل (۱۴۰۰). *حقوق جزای عمومی*. چاپ اول، تهران: نشر میزان.

- شربینی، محمد بن احمد (۱۹۸۲). *مغنی المحتاج الی معرفه الفاظ المنهاج*. جلد ششم، الطبعة السادسة، بیروت: دار الفکر

- صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۴). *من لایحضره الفقیه*. جلد سوم، الطبعة الثالث، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

- طوسی، محمدبن حسن (۱۴۱۴). *النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی*. جلد سوم، الطبعة الثانی، بیروت: دار الکتب العربی.

- عدالت‌خواه، محمدرضا (۱۳۹۳). *مبسوط قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲*. چاپ اول، تهران: نشر مجد.

- کاظمی، علی و طهماسبی، جواد (۱۳۹۰). «حمایت از شهود در لایحه آیین دادرسی کیفری». *نشریه کارگاه*، ۴(۱۵): ۲۳-۴۴.

- کاسه، آنتونیو (۱۳۸۷). *حقوق کیفری بین‌الملل*. ترجمه حسین پیران، چاپ دوم، تهران: نشر جنگل.

- گلدوزیان، ایرج (۱۴۰۰). *محتسای قانون مجازات اسلامی*. چاپ پنجم، تهران: انتشارات مجد.

- معزی‌نیا، علیرضا (۱۴۰۰). «بررسی نقش شهادت شهود و قواعد حاکم بر آن در حقوق ایران». *مجله مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه*، ۷(۱): ۱۷۰-۱۸۴.

- نجفی، محمدحسن (۱۴۱۹). *جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام*. جلد هفتم، چاپ هفتم، بیروت: داراحیاء التراث العربی

- واحدی، قدرت الله (۱۳۸۹). *حقوق بین‌الملل کیفری*. چاپ اول، تهران: نشر جنگل.

- والین، لوک (۱۳۸۵). «قربانیان و شهود در جنایات بین‌المللی از حق حمایت تا حق بیان». *مجله حقوقی بین‌الملل*، ۱۵(۳۴): ۳۳-۵۶.

ب. منابع انگلیسی

- Cassese, A; Paola, G & John, J (2002). *The Rome Statute of The International Criminal*